

مردی که می‌گریست، باچشم آسمان...



محمد صالح ملا، شاعر، بازیگر، مجری، نویسنده و مجری تلویزیون

یادداشت

دوستی ما در جوانی افتتاح شد، نخست خدمتتان بگویم، یکروز از جام جم پیاده می‌رفتیم، آسمان ابری بود، باران می‌بارید و نمی‌بارید، نرسیده به میدان ونک ایشان توقف کرد، غروب شده بود و آزان نزدیکی صدای نی لبیک می‌آمد و نمی‌آمد، زیرا، باد می‌وزید و صدای نی لبیک را دورو نزدیک می‌کرد، رهگذران دیده نمی‌شدند، شاید

پشت غارغار کلاغ‌ها ایستاده بودند و به آواز نی لبیک گوش می‌کردند، من برگشتم، دیدم، آقای چشم‌آذر گریه می‌کند، من هم گریهام گرفت،

ایشان از من پرسید، چرا گریه می‌کنی؟ گفتم دیدم شما گریه می‌کنی، من هم گریهام گرفت، آن‌وقت به هم نگاه کردیم و خدا می‌داند ما چقدر خندیدیم، من بعدتر در یک بند از مقطع ترانه‌ای نوشتم، مردی که می‌نواخت، دررگ و میش شهر، درنای نی لبیک، مردی که می‌گریست، باچشم آسمان، بالاتراز ونک، یادت بهانه شد، کم‌کم ترانه شد، تهران از این طرف، مقصود اینکه ماخلی دوست هم بودیم، درهر دیدار خیلی باهم حرف می‌زدیم، خیلی درد دل می‌کردیم و خیلی می‌خندیدیم، گاهی هم از هم خبر نداشتیم، آقای چشم‌آذر و من شاید بیست و یکی- دو- سه ساله بودیم که باهم آشنا شدیم، آن زمان من «شب تغییر شکل داده شده» را کار می‌کردم، استاد علی اصغر محتاج، درباره آن تله ناتر با من گفت‌وگو کردند، صاحب‌با یکی- دو قطعه شعرمن درمجله تماشا منتشر شد، به‌نظم خوانده شدن آن شعرها موجب شد از من دعوت کنند تا تصنیفی روی ملودی زیبای ایشان بنویسم، اصلا ترانه نوشتن من با همان ترانه (زارن) روی ملودی زیبای ایشان وصدای کم نظیر خواننده‌اش افتتاح شد، آقای چشم‌آذر نازنین ما، درخاندان موسیقی بالیده بودند، ایشان با دانش موسیقایی درتصنیف موسیقی اینسترومنتال کم نظیر بودند، نمونه‌اش آثار ماندگار او در تصنیف موسیقی فیلم، مجموعه‌های تلویزیونی وهمین نمونه‌سازی او(«باران عشق» است.

شما بهتر از من می‌دانید که ذائقه بیشتر هموطنان ما موسیقی کلامی است و «باران عشق» نمونه موسیقی بی‌کلامی است که با استقبال هموطنان ما مواجه شد، حیف که آقای چشم‌آذر ناتمام ماند، خیلی زود عازم عالم نازشدند، گاهی سرنوشت ازما جلو می‌افتد، چنانکه پس از سال‌ها بنا بود ما با هم روی آلبومی کار کنیم، که به قول سعدی گرامی، ناگهان بانگی برآمد خواجه مرد، یا به قول شمس لنگرودی عزیزمان، بهاد می‌وزد و میبوه نمی‌داند، هنگام افتادن او اکنون است، البته به دوستداران ایشان مژده می‌دهم، از ایشان آثار منتشر نشده‌ای باقی مانده که به‌همت همسرایشان که خودشان هم از خاندان هنر هستند، منتشر خواهد شد. آقای چشم‌آذر در تصنیف تنظیم موسیقی مردموار(پاپ) یکی از بهترین آهنگسازان معاصر بود. ایشان با شناخت موسیقی شرقی وغربی و هم با شناخت ژرفی از کارکرد دراماتیک سازهای شرقی وغربی و هم بهره بردن از آنها در تنظیم قطعات، موجب شناخت بیشتر موسیقی ما درمیان دیگر مردمان شد، چنانکه برخی آثارشان مانند: «باران عشق» از رادیو تلویزیون کشورهای همسایه وودرتز شنیده می‌شود، ما آهنگسازان برجسته‌ای داریم، البته ما آقای چشم‌آذر در تاریخ موسیقی مردموار ما جایگاه ویژه‌ای دارند.

خالق آثاری بارمز و رازی شگرف



محمد رشاعی‌موسی خواننده موسیقی پاپ

یادداشت

آشنایی من با زنده یاد ناصرچشم‌آذربواسطه یکی ازدوستان خانوادگی شکل گرفت وسرانجام بعد از تماس تلفنی و وعده دیدار، افتخار پیدا کردم درخدمت ایشان باشم. اولین دیدار او آخر سال ۱۳۷۵ بود و من دوران سربازی را می‌گذراندم؛ ساعت کمی از آمدنم به خانه نگذشته بود که آقای چشم‌آذر تماس گرفت و گفت کجایی! پاسخ دادم تازه رسیده‌ام و در ادامه آدرس استودیو صبا را برایم خواند و از من خواست بسرعت به آنجا بروم. زمانی که به استودیو رسیدم متوجه شدم مشغول ضبط کاری هستند و بعد از اتمام کار، من را راهنمایی کرد به اتاقی بروم که پیانو قرار داشت. اوپشت ساز نشست و گفت کارجدیدی ساختم‌ام می‌توانی بخوانی؟! پاسخ دادم ایرادی ندارد لطفاً کار را ضبط کنبد تا گوش بدهم و بعد بخوانم. گفت نیاززی به‌گوش کردن نیست همین حالا ضبط می‌کنیم. در ادامه گفتم: من با ملودی و ترانه این کارآشنایی ندارم و نمی‌دانم بر چه اساسی باید بخوانم. البته درهمان مقطع زمانی که در استودیو منتظر او بودم، آقای سید فرید احمدی شاعر اثر«سرزمین عشق»، شعر را به‌من داد و گفت آقای چشم‌آذر از من خواست این کار را شما بخوانید و نگاه کوتاهی انداختم و باور نمی‌کردم باید این شعر را بخوانم... ناصر چشم‌آذر شروع به نواختن پیانو کرد؛ فکر نمی‌کنم بیشتر از یک دقیقه زمان برد تا گام صدای من را بشنوند و اینکه آیا مناسب این‌کار هست یا خیر و بعد ازآن شاید کمتر از یک ساعت به‌طول انجامید قطعه «سرزمین عشق» را که اولین همکاری من با استاد ناصر چشم‌آذر بود ضبط شد. البته نه به این دلیل که من خواننده خوبی بودم بلکه ایشان هنرمند کاربلدی بودند و شناخت خوبی از کار کردن با خواننده‌ها داشتند. از دیگر همکاری من با آقای چشم‌آذر تیتراژ فیلم «گنج خانه سفید» بود.

استاد ناصر چشم‌آذر دنیایی از موسیقی بود و تولیدات موسیقایی اش رمز و رازی شگرف و نهفته داشت و از نگاه من یکی از دلایل ماندگاری آثارش ارتباط و الهامی بود که با طبیعت بکر برقرار می‌کرد. به یاد دارم یک روزدرمنزل ایشان در خیابان ملک بودم، خانه قدیمی با پنجره‌هایی چوبی؛ خاطرم است هرگاه باران می‌بارید و پنجره‌ها را باز می‌گذاشت، گوش به صدای باران می‌سپرد و ساعت‌ها می‌نشست و به ریزش باران خیره می‌شد و یک ارتباط خاص و معنوی برقرار می‌کرد، شاید ارتباطی ورای مادیات و اینگونه بود که «باران عشق» را خلق کرد. به‌طور کلی باید بگویم ناصرچشم‌آذر هنرمندی توانمند و خلاق بود و هم در عرصه نوازندگی، آهنگسازی و تنظیم‌ها علاوه بر شناخت خوب، بسیار فوق‌العاده کار می‌کرد و دیگر اینکه با هنر و روح موسیقایی ارتباط خوبی می‌گرفت. بی‌تردید نوازنده یا آهنگسازان بسیاری هستند که فیزیک موسیقی را بخوبی درک می‌کنند اما همان‌طور که اشاره کردم ناصر چشم‌آذر روح موسیقی را خوب می‌دانست و به‌همین دلیل آثاری که ساخت یک‌به یک ماندگار شد.

باید بگویم در یک دهه- نیم گذشته آن‌طورکه انتظار می‌رفت موسیقی خوبی تولید نشد و در اینجااست که جای و جایگاه بزرگانی چون ناصر چشم‌آذر خالی است. تا زمانی که توان داشت فعالیت کرد و موسیقی‌های زیبایی خلق شد که سال‌های سال قابل شنیدن و لذت بردن است اما متأسفانه در این سال‌های اخیر موسیقی خوبی تولید نشده است تا حداقل ۱۰ سال بعد بگویم چه‌کارهای خوبی بوده‌اند، همه کارهای مارکنی شده‌اند و جای تأسف است که باید بگویم سینما و موسیقی ما به‌سوی تجاری شدن رفته است.

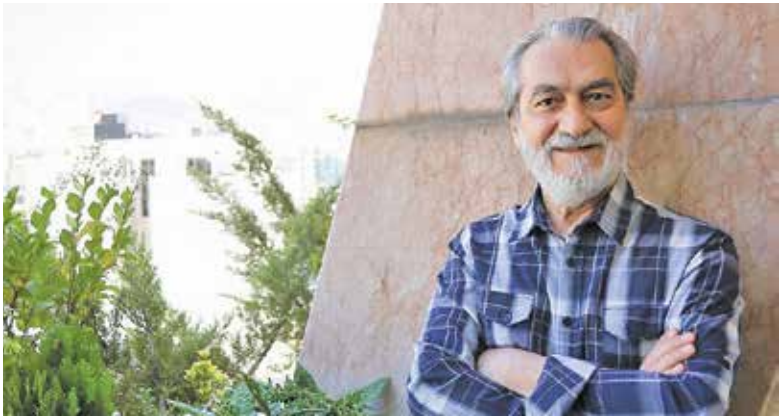
■ پنجشنبه ۱۱ دی ۱۳۹۹  
■ سال بیست‌وششم  
■ شماره ۷۵۳۱

گفت‌وگوی «ایران» با مجید انتظامی به انگیزه زادروز ناصر چشم‌آذر

# در کارنامه هنری او آثارش مانا و درخشان است

ندا سبجانی خبرنگار

ناصر چشم‌آذر اگر در قید حیات بود دمی ۷۰ ساله می‌شد. این آهنگساز متولد ۱۳۲۹ وزاده اردیبل بود. او موسیقی رانزد پدرش اسماعیل چشم‌آذر آموخت و آکاردئون را در کودکی انتخاب کرد. نوشتن از ناصر چشم‌آذر مانند موسیقی‌هایش سراسر عشق، شور و زندگی است. چشم‌آذر موسیقیدان، آهنگساز و تنظیم‌کننده موسیقی ایرانی است و اگرچه او هم مانند دیگر هنرمندان موسیقی در خانواده‌ای اهل هنر متولد شد اما نگاهش به دنیای موسیقی متفاوت بود. بی‌شک «باران عشق» را که همگان شنیده‌اید یکی از آثار مهم اوست. او در کارنامه خود آثار متعددی دارد و برای فیلم‌های بسیاری موسیقی ساخته است. آهنگساز فیلم‌های «هامون»، «خواهران غریب»، «ا‌گه می‌تونی بگیر»، «آتش‌بس»، «آجاره‌نشین‌ها»، «دیگه چه خبر»، «گشت ارشاد» ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۷ بر اثر سکنه قلبی درگذشت. مجید انتظامی موسیقیدان و آهنگساز نام‌آشنای موسیقی ایران و رفیق گرمابه و گلستان ناصر چشم‌آذر به بیان خاطراتی از دوران دوستی با او پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.



■ آشنایی شما با زنده یاد ناصر چشم‌آذر به چه زمان و موقعیتی برمی‌گردد؟

از سال‌ها قبل و شاید پیش از انقلاب با موسیقی ناصر چشم‌آذر آشنایی داشتم، البته اغلب آهنگسازان با سبک کاری یکدیگر آشنا و آگاه هستند، اما به‌طورکلی باید بگویم تا قبل از بازگشت آقای چشم‌آذر از امریکا به ایران، دیدار و ارتباط دوستی نزدیک‌تری بین ما نبود. تا اوایل دهه ۶۰ که به یک میهمانی دعوت شدم و آقای داریوش مهرجویی هم در آن جمع حضور داشتند، صحبت کاری بین ما به‌وجود آمد و از من خواستند آهنگسازی معرفی کنم که به موسیقی الکترونیک آشنایی داشته باشد و نظر مساعد من ناصر چشم‌آذر بود چرا که در جریان موسیقی‌هایش بودم و می‌دانستم در

یک گام تا نبوغ فاصله داشت



شیرین احمدلو همسر ناصر چشم‌آذر

یادداشت

مثل یک نقطه اوج، آدم را به‌کمال می‌رساند. استعدادش با خلاقیت ارتباط عمیقی داشت واحساسات را عمیق‌تر از هرکسی دریافت می‌کرد. فروتن بود و خواسته‌های موسیقی را کاملاً می‌دانست. اصلاً خود موسیقی نبود، حرف می‌زد، موسیقی بود، راه می‌رفت، موسیقی بود، دست به هرچه می‌زد موسیقی بود، به رازها و جادوی طبیعت احترام می‌گذاشت، عاشق سیاره‌ها بود و همیشه امید، عشق، صلح، زندگی و دوست داشتن را در کارها و رفتارش به مردم اخطار می‌داد و به دنیا یادآوری می‌کرد که «عشق مهمه»، اینکه می‌شناختمش برای من افتخار بود، همین دیدار و آشنایی بود که فرصل زندگی عاشقانه ما شد. عشقی که کم‌کم جلو آمد، هر روز نزدیک و نزدیکتر، انگار برای هم پیدا شده بودیم و اتفاقی که شاید نه شاید هم باید بود، رخ نمی‌داد، رخ داد و حالا من مادر رنا و همسر ناصر چشم‌آذر هستم. شانس من بود درک زندگی متفاوت با مردی متفاوت که خودش مهم‌ترین اتفاق زندگی من بود. او یک گام تا نبوغ فاصله داشت. هرچند زندگی با این نابغه در دنیایی با ویژگی‌های خاص درونی‌اش ساده نبود، اما روحیه کودکانه

برای زادروز ناصر چشم‌آذر

# در رگ‌هایش به جای خون موسیقی جاری بود

کیومرث پور احمد

کارگردان فیلمنامه‌فروش تدوینگر و تهیه‌کننده

■ پلان اول

فیلم لنگره کار را قرار بود بسازیم. زنده‌یاد فؤاد نور نازنین برای موسیقی متن ناصر چشم‌آذر را پیشنهاد کرد. از دیرباز اسم چشم‌آذر را شنیده بودم و می‌دانستم در موسیقی پاپ آدم پرآوازه‌ای است و برای بسیاری از خوانندگان مطرح و محبوب ملودی ساخته و تنظیم کرده. فکر کردم چنین آدمی باید دنیا را جرواوجر کرده باشد، من خجول بی‌سروزیان به‌جور باید با چنین موجود هفت‌خطی کار کنم؟ فؤاد گفت «باید چشم‌آذر روز از نزدیک ببینی». همان یکی، دوساعتی که با ناصر چشم‌آذر نشستیم و گپ زدیم، از بس محبت و صمیمیت از وجود آن کودک (آن موقع) ۴۰ ساله تراوش می‌کرد که خیلی زود آقای چشم‌آذر شد، «ناصرجان».

به‌پر از قاجاق است، لا به لای جنگل‌های دریایی از قشمت به بندرعباس می‌آیند...

هنگام ضبط موسیقی ناصر ساز هورن و درامی برحجم برای این صحنه ضبط می‌کرد.

گفتم «ناصرجان توی این لنج زیرپوش و سیگار قاجاقه، اسلحه و موادمخدر که نیست، اینم به فیلم کوچولو،ه، بن‌هور که نیست!»

ناصر با صبوری و سعه صدر گفت «درستش می‌کنم» و موسیقی را مطابق میل من ساخت.

در میانه کار لنگره کارخانه‌ای تلخ در زندگی داخلی‌ام اتفاق افتاد. کوچ همیشگی همسر سابق و دخترهایم.

دلنگنی‌های دوری از دخترهایم را در قالب شعری کودکانه با ملودی «آمد نوبهار» ریختم و می‌خواستم آن را بخوانم و نوار کاستش را برای نسخه بفرستم. تنها کسی که می‌توانست برای این کار کمک کند ناصر چشم‌آذر بود که توی خانه‌اش

من و ناصر و از آن تاریخ به بعد ارتباط بسیار نزدیکی بین ما به‌وجود آمد تا آنجا که هرگاه دلنتگ می‌شد با من تماس می‌گرفت و روی آهنگ‌های من شعر می‌گذاشت و از پشت خط تلفن برابیم ساز می‌نواخت و می‌خواند و این ارتباط و دلبستگی آنقدر گسترش پیدا کرده بود که دیدارهایمان ساعت‌ها به طول می‌انجامید.

■ آیا سابقه همکاری هم داشته‌اید؟

بله. همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم ازسال‌ها قبل با کارهای یکدیگر آشنایی داشتیم، البته فعالیت من در موسیقی کلاسیک بود و ناصر اغلب به موسیقی‌های پاپ می‌پرداخت اما به‌طورکلی در چندین اثر با من همکاری داشته و پیانو، آکاردئون و سینتی‌سایزر نواخته است که از جمله آنها می‌توانم به موسیقی فیلم «ترن» اشاره کنم. آن دوران دستگاه موسیقی الکترونیک در ایران وجود نداشت و تنها ناصر چشم‌آذر این دستگاه را خریداری کرده بود و کارکردن با آن را می‌دانست و سیستم خود را به استودیو آورد و بخش‌های اصلی موسیقی «ترن» را در استودیو اجرا و ضبط کردیم. ناگفته نماند برای ضبط موسیقی این فیلم، دیگر دوستان آهنگساز چون آقای علیقلی هم بودند اما بواسطه دوستی که با ناصر داشتم از او خواش کردم موسیقی «ترن» را برعهده بگیرد. البته با ناصر در دیگر موسیقی فیلم‌هایم همچون «بایسیکل ران»، «عروس افغان» و مجموعه تلویزیونی «محاکمه» نیز همکاری داشته‌ایم و نوازنده ساز آکاردئون بود.

■ همان‌طور که اشاره کردید تمرکز بیشتر آقای چشم‌آذر بر ساخت موسیقی پاپ بود و کارهای شاخص و درخشانی در این زمینه تولید کردند. آیا ایشان به سایر فرم‌های موسیقی توجهی نداشتند؟ ناصر تنها در زمینه موسیقی پاپ فعالیت نمی‌کرد بلکه به سبب دانش و آگاهی خوبی که از موسیقی داشت، درد دیگر فرم‌های موسیقی هم آثاری ساخته بود که هر یک اثری مانا و درخشان در کارنامه هنری این هنرمند است. به‌طورکلی باید بگویم ناصر چشم‌آذر هنرمندی بزرگ و ارزشمند بوده و هست و در کنار این سیرت زیبا، به رفاقت و دوستی‌ها نیز متعهد و وفادار بود و با آنکه مشغله کاری هر دوی ما مانع از آن بود تا دیداری صورت بگیرد اما همیشه در تماس تلفنی بودیم و جویای احوال یکدیگر، ناصر چشم‌آذر هم به لحاظ

و معصوم‌اش که بسرعت نسبت به درها واحساسات انسانی واکنش نشان می‌داد و مدام یادآوری می‌کرد که انسان هستیم و نباید نسبت به عواطف و دردهای بشری تفاوت باشیم، زندگی‌ام را سرشار می‌کرد. ناصر چشم‌آذر در حالت عادی و زندگی روزمره کم‌طاق‌ت بود و خیلی زود از اتفاقات عصبانی می‌شد، چنانکه هیچ‌کس تاب و طاقت شور و جنون‌اش را نداشت؛ اما در لحظه‌ها و ساعت‌ها و روزهای انجام کارش صبور و باحوصله و حساس و همسر خوشرو می‌گرد. این رفتار نشانگر حرمت او به موسیقی بود. رفتاری ظریف و عاشقانه مانند رفتار او با سازش. ناصر فقط آهنگساز و هنرمند نبوده، بیش از همه همسر خوبی برای من بوده و پدري کم‌نظیر برای رنا. فرزندی بوده که تا آخرین نفس‌های مادر و خواهرش با عشق و حساسیت از آنها مراقبت کرده و رفیق و دوستی که از احساس و محبت کم نمی‌گذاشت کوچک‌ترین محبت را همیشه به یاد داشته و قدر می‌دانسته و می‌بخشیده. در زندگی شرافتمندانه‌اش، هرگز احساس پندش را نه به پول، نه به قدرت و نه به هیچ چیز و هیچکس نفروخته و در عوض همه هستی‌اش را به پای اعتقادش حراج کرد. ناصر چشم‌آذر تا نبوغ یک‌قدم فاصله دارد؛ بک رنگ و زلال لا... همیشه سعی کردم باورت کنم تا اینکه شنیده باشم. عاشقانه را‌ها شدی تو عاشقانه هستی و خواهی ماند.

۲۴ فریم شده بود در حالی که باید به ۲۵ فریم تبدیل می‌شد. بعد از شکار خاموش قصه‌های مجید را ساختم. برای ساخت موسیقی یک مجموعه تلویزیونی که همه‌تقدیگانی‌اش ۱۶ میلیون تومان بود نه پولش را داشتیم نه وقتش را که برویم استودیو و موسیقی را ضبط کنیم. خانه پدري ناصر در کوچه شمشاد، خیابان ترکمنستان، خیابان تخت طاووس بود. طبقه اول خواهر و مادرش می‌نشستند (که هر دوسال‌ها پیش از دنیا رفتند)، طبقه دوم هم استودیوی ناصر بود و طبقه سوم جای خوابش. اتاق خواب و معبدی کوچک با آنبوهی شمع همیشه روشن و عکس‌های امام علی(ع). آن موقع ناصر کیبورد جادویی گرگ KORG را خریده بود که در ایران تک بود. یکی از شناسه‌های ناصر چشم‌آذر پیشقدم بودن در موسیقی الکترونیک در ایران است. ناصر که زاده اردیبل بود از ۱۲ سالگی همراه پدرش که معلمش هم بوده، عضو ارکستر آذربایجانی رادیو ایران بود. در ۱۳ سالگی جایزه بهترین نوازنده آکاردئون را در یک مسابقه کشوری می‌گیرد. در ۱۷ سالگی «بهر» ارکستری می‌شود که سفارت ایران در عراق تشکیل داده بوده و برپنامه‌هایی در عراق برگزار می‌کرده‌اند. در ۱۸ سالگی در کنسرت‌های زیادی نوازندگی می‌کرده. پیش از ۲۰ سالگی از شاگردی استادانی مثل مرتضی حنانه و ملیک اصلانیان بهره می‌برد و در ۲۰ سالگی به امریکا می‌رود تا موسیقی را به شکل آکادمیک بیاموزد و تا مقطع انقلاب تعداد زیادی ترانه برای بهترین خواننده‌های پاپ می‌سازد و تنظیم می‌کند.

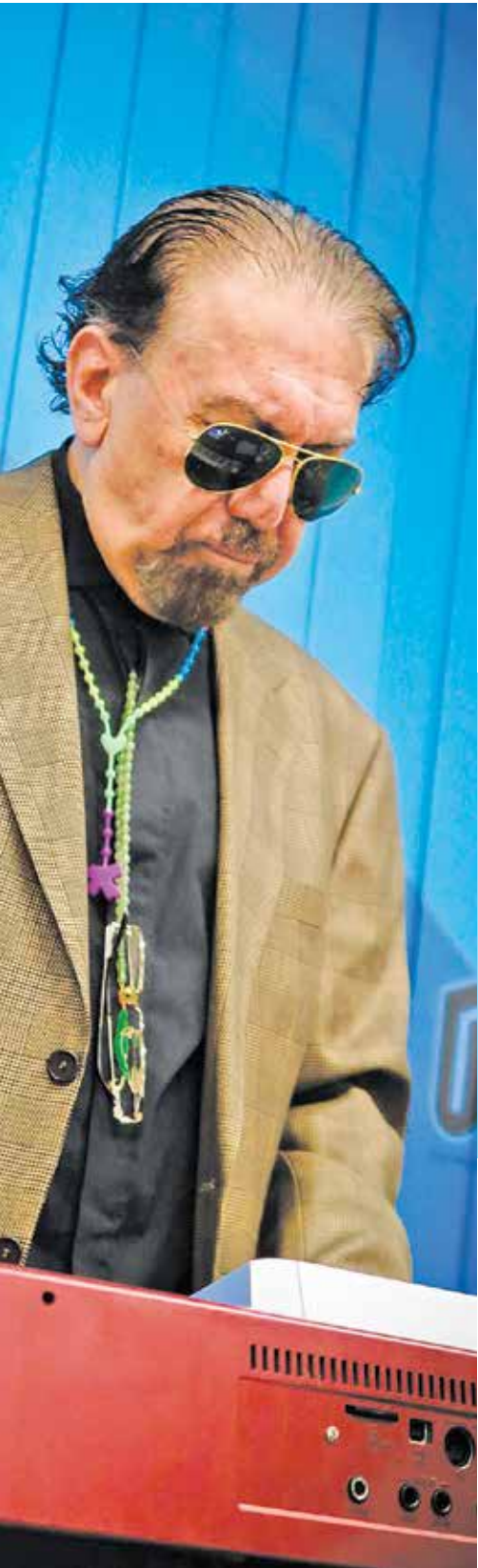
بعد از انقلاب پنج سال به امریکا می‌رود و آنجا باز هم پیگیرانه موسیقی الکترونیک و موسیقی فیلم می‌خواند. سال ۶۳ که به ایران برمی‌گردد به عنوان اولین کار سینمایی، موسیقی فیلم «تاراج» ایرج قادری را می‌سازد و با همان فیلم بسیاری از تهیه‌کننده‌ها و کارگردان‌ها به او رومی‌آورند و تا ۳۳ سال بعد یعنی سال ۹۶، موسیقی ۷۶ فیلم سینمایی را می‌سازد و با کتر کارگردان‌های معتبر سینما کار می‌کند. با سبروشوند،

http://irannewspaper.ir  
editorial@irannewspaper.ir

رفتاری و هم در زمینه کار انسان خاصی بود و نگاه والایی داشت و جای تأسف است باید بگویم هر هنرمند بزرگی که از بین مامی رود دیگر جانشینی نخواهد داشت و بی‌شک سال‌ها باید بگذرد تا شاید آهنگسازی چون ناصر چشم‌آذر متولد شود.

■ طی این سال‌ها در موسیقی مردمی آهنگسازان بسیاری ظهور کردند اما همه این نام‌ها ماندگار نشد، از نگاه شما به عنوان یک آهنگساز برجسته با سال‌ها تجربه در این زمینه، رمز موفقیت یا جوادنگی بزرگانی همچون واروژان، بابک بیات یا ناصر چشم‌آذر چیست؟

تمامی این جوادنگی‌ها از یک عشق برخاسته است؛ عشقی که در یک کلام خلاصه نمی‌شود، بلکه عاشق را پاک و



تهمنه میلانی، داریوش مهرجویی، ناصر تقوایی و...

ناصر برای مجموعه‌های «قصه‌های مجید» و «سرنخ» هم موسیقی ساخت که هر کدام از این دو مجموعه ۱۲ فیلم مستقل بود و اگر این ۲۴ فیلم را هم به آثار او اضافه کنیم ناصر در مجموع برای ۱۰۰ فیلم موسیقی متن ساخته، او ناصر در جشنواره فجر کاندید شد و دیوار سیمرخ گرفته که یکی از جایزه‌هایش برای موسیقی فیلم خواهران غریب بود. در جشنواره موارید شرق (پنانگ مالزی) هم جایزه بهترین موسیقی متن را برای فیلم خواهران غریب گرفت. در «خواهران غریب» من شعری مرتکب شدم که اول فیلم خوانده می‌شود. (قه‌ر و آشتی) بر اساس ملودی «نازنین مریم» کامیوزمژده‌ی که محمد نوری آن را خوانده بود، همین. اما بقیه شعرها...

شعر «مادر من» را آقای محمدعلی زم، رئیس حوزه هنری به من داد که نمی‌دانم از کجا پیدا کرده بود. عالی بود. آقای زم پیشنهاد کرد از شعرهای کتاب‌های درسی استفاده کنیم. پیشنهادش هم عالی بود. و ناصر بود که با آن ملودی‌های زیبا و فراموش‌نشدنی و آن تنظیم‌های هنرمندانه و هوشمندانه موسیقی خواهران غریب را در کنار باران عشق که شاهکار اوست، تبدیل به معروف‌ترین و محبوب‌ترین آلبوم از آلبوم‌های دهگانه‌اش کرد.

هر فیلم قصه‌های مجید را که مونتاژ می‌کردم مطابق رسم آن زمان یک دوربین ویدئو می‌گذاشتم جلوی صفحه نمایش میز مونتاژ و از فیلم تصویربرداری می‌کردیم، ناصر آن فیلم